



تقدیم به

«مادر»،

بافتهای از مهر و ایثار

مقدمه

می‌دونی که «آرایه‌های ادبی» جزء مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث درسیه و یاد گرفتن درست و دقیق آرایه‌ها، تو فهم متن کتابای درسی و تجزیه و تحلیل بیت‌ها و عبارت‌ها نقش اساسی داره. به علاوه، تو آزمونای سراسری، توی مبحث «علوم و فنون ادبی»، ۷ سؤال (یعنی حدود ۳۵٪) به آرایه‌ها اختصاص داره و درست جواب دادن به سوالاتش، توی درصد کل خیلی مؤثره. این کتاب بایه طرح نو و منحصر به فرد نتیجه تلاش بی‌وقفمون برای رسیدن تو به اهداف بلندته! هم یاد گرفتن آرایه‌ها رو با آموزش منحصر به فرد و متفاوت برات آسون می‌کنه و هم با نکته‌های کنکوری خاص، تو پاسخ به سوالاتی آزمونای سراسری، آزمایشی و... به دادت می‌رسه و از همه مهم‌تر از تمام روش‌های نامناسب و غیر حرفه‌ای و ناکارآمد بیشتر کتابای موجود، حفظت می‌کنه. خلاصه ماجرا! به جای این‌که مِت خیلی از کتابای دور و برت، تو آموزش هر آرایه، بایه تعریف خشک و خالی از آرایه و چند تا دونه مثال، به قول معروف، سر و ته قضیه رو هم‌بیاریم (!!)) به آموزش دقیق و بنیادی آرایه‌ها پرداختیم؛ جوری که مطمئن باش با این شیوه آموزشی، تو آرایه‌ها «استاد» می‌شی.

ویژگی‌های استثنایی و شگفت‌انگیز این کتاب:

- آموزش حرفه‌ای آرایه‌های ادبی به ساده‌ترین و بنیادی‌ترین شکل ممکن!
- مثال‌ها و نمونه‌هایی که هر آرایه، توی ذهن، ثبت و موندگار می‌شن!
- مثال‌های متعدّد و متنوّع از داخل و خارج کتابای درسی برای هر آرایه!
- فهرست‌های جامع و کاربردی! شامل: «فهرست تمام واژه‌های چندمعنایی که جناس تام، ایهام یا ایهام تناسب می‌سازن! فهرست مهم‌ترین و رایج‌ترین کنایه‌ها، اضافه‌های تشبیهی، اضافه‌های استعاری، ترکیب‌های دارای حسّ آمیزی و متناقض‌نما و...»!
- نکته‌های خاصّ کنکوری که لابه‌لای متن درس‌نامه‌ها اومده!
- نکته‌های خاصّ و استثنایی مربوط به تفاوت‌های اساسی بعضی آرایه‌ها مثلاً «حسن تعلیل و اسلوب معادله»، «اسلوب معادله و ضرب‌المثل»، «ایهام و ایهام تناسب»، «اضافه تشبیهی و اضافه استعاری» و... که معمولاً توی تشخیص دادنشون از همدیگه دچار اشتباه می‌شی!
- تیپ‌شناسی کاملاً دقیق و علمی سوّالای آرایه تو آزمونای سراسری، آزمایشی و... همراه با شگردهای پاسخ به سوّالای هر تیپ!
- نمونه سوّالای آرایه از سال ۸۳ تا ۱۴۰۱ با پاسخ تشریحی که تو دو دسته جدا تفکیک شدن: ۱. سوّالات تک‌آرایه‌ای که پایان هر درس اومده! ۲. سوّالات ترکیبی (چندآرایه‌ای) - که ته کتاب قرار گرفته! و...

چه طور بخونی؟

■ قبل از خواندن مطالب درس‌نامه، به تیپ‌های اصلی سؤالی آرایه نگا کن تا اولاً متوجه بشی که تو آزمونا با چه تیپ سؤالی سروکار داری.

■ آموزش آرایه‌ها و چیدمانشون بر اساس زنجیره ارتباطیشونه؛ یعنی مثلاً بین «تشبیه، استعاره مصرحه، استعاره مکنیه، تشخیص و مجاز» همچین رابطه‌ای برقراره و لازمه یادگرفتن یکی، یادگرفتن آرایه قبلیه. همین‌طوره بین «تضاد و متناقض‌نما» یا بین «حسن تعلیل و اسلوب معادله» و...

■ نمونه‌هایی که برا هر آرایه و ته هر درس اومدن، بعضیاشون نمونه‌های کتابی درسین و آدرس دارن (مثلاً «۱/۲» یعنی فارسی ۲ درس ۱ و «ع ۱۲/۳» یعنی علوم و فنون ۳ درس ۱۲) و بعضی دیگه نمونه‌های خارج کتابن و بی‌آدرس‌ن. روی تک‌تکشون وقت بذار؛ چون دقیق خوندنشون قدرت تجزیه و تحلیلت رو تو موشکافی بیت‌ها و تشخیص دادن آرایه‌هاشون به شدت بالا می‌بره.

به فهرست‌هایی که برا بعضی آرایه‌ها اومدن مثلاً فهرست واژه‌هایی که جناس تام، ایهام، یا ایهام تناسب می‌سازن، فهرست کنایه‌ها، فهرست اضافه‌های تشبیهی و استعاری و... خیلی خیلی اهمیت بده.

■ بعد از خواندن مطالب هر درس هم، می‌تونی با نمونه تستی تک‌آرایه‌ای (تست‌هایی که توی اونا فقط یه آرایه سؤال می‌شه) آموخته‌هاتو بسنجی!

■ بعد از خواندن تمام مطالب، نوبت به تستی ترکیبی (چند آرایه‌ای) ته کتاب می‌رسه. اون‌جا می‌تونی با استفاده از همه آموخته‌هات خودتو محک بزنی ببینی که بعد از خواندن مطالب، حالا چند مرده حلاجی!

تشکر ویژه...

لازم می‌دانم از صمیم دل از همه عزیزانی که در تدوین و آماده‌سازی این کتاب یاری‌ام کردند قدردانی کنم؛ به ویژه از:

- مدیر محترم انتشارات مهر و ماه جناب آقای احمد اختیاری که تألیف و چاپ کتاب، مرهون حسن نظر و یاری‌های ارزنده و سازنده ایشان است؛
- دوست گرامی جناب آقای محمد هژبری، تصویرگر هنرمند و توانا که موضوعات مورد نظر را با اشتیاق و در زمانی اندک به تصویر کشیدند؛
- دوست عزیزم جناب آقای محسن فرهادی، مدیر هنری انتشارات؛
- سرکار خانم مریم تاجداری، مدیر محترم واحد تولید انتشارات؛
- سرکار خانم کبری ملکی، مدیر محترم واحد ویراستاری انتشارات؛
- سرکار خانم مریم شیرزاده، که زحمت ویراستاری این اثر را عهده‌دار شدند؛

از خداوند متعال برای تمامی این عزیزان سلامتی و بهروزی خواستارم.

سربلند و پیروز باشید

حمزه نصراللهی

hamzeh.nasrollahi@gmail.com

فهرست

- ۸ تیپ‌شناسی سوالات کنکور
- ۱۳ مقدمات
- ۲۷ بیان
- ۱۱۳ بدیع (آرایه‌های لفظی)
- ۱۶۳ بدیع (آرایه‌های معنوی)
- ۲۸۱ تست‌های ترکیبی
- ۳۰۳ پاسخ‌نامه تشریحی

تیپ شناسی

سؤالات کنکور

از مجموع ۵۵ سؤال ادبیات آزمون‌های سراسری، معمولاً ۱۱ سؤال (یعنی حدود ۳۸٪) به مبحث آرایه‌های ادبی اختصاص دارد (۴ سؤال از ۲۵ سؤال ادبیات عمومی؛ و ۷ سؤال از ۳۰ سؤال ادبیات اختصاصی). با نگاهی به تیپ‌های اصلی سؤالات و شناخت دقیق آن‌ها متوجه می‌شوی که با چه تیپ سؤالاتی سروکار داری و چه‌طور باید مباحث را بخوانی و آماده‌آزمون شوی؛ به علاوه، شناسایی این تیپ‌ها، به‌طور چشم‌گیری، روند پاسخ‌گویی‌ات به تست‌ها را سرعت می‌دهد و موجب تسلط تو بر انواع سؤالات آرایه‌های ادبی می‌شود.

تیپ ۱: آرایه در صورت سؤال

ساختار: این تیپ از سؤالات در سه دسته مجزا قابل بررسی است.
دسته اول: در صورت سؤال، نام یک یا دو آرایه به همراه یک بیت یا یک متن می‌آید و در هر یک از گزینه‌ها نیز یک یا دو عدد مطرح می‌شود. هدف، مشخص کردن گزینه‌ای است که در آن، به تعداد دفعات کاربرد آرایه‌های مورد سؤال، اشاره شده.
شگرد پاسخ‌گویی: بررسی موشکافانه و دقیق بیت یا متن سؤال.

■ در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟ (انسانی ۹۹)
«می‌ساختم چو بربط و می‌سوختم چو عود زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»

(۱) دو - دو

(۲) سه - سه

(۳) یک - دو

(۴) دو - سه ✓

دسته دوم: در صورت سؤال، نام یک آرایه مطرح می‌شود و چهار گزینه نیز وجود دارد که هر گزینه شامل یک بیت است. گزینه‌ای را که در آن، آرایه مطرح شده در صورت سؤال، وجود دارد یا ندارد باید پیدا کنی.

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی تک‌تک گزینه‌ها و یافتن ترکیب یا عبارتی که آرایه مورد نظر، در آن به کار رفته است.

■ کدام بیت، فاقد مجاز است؟

(انسانی ۹۹)

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم | (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی |
| ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد | (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم ✓ |
| کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد | (۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست |
| جان دادن در پای تو دشوار نباشد | (۴) سهل است به خون من اگر دست برآری |

دسته سوم: در صورت سؤال، نام چند آرایه (۲ تا ۵ آرایه) مطرح می‌شود و چهار گزینه نیز وجود دارد که هر گزینه نیز شامل یک بیت است. مشخص کردن گزینه‌ای که آرایه‌های مطرح شده در صورت سؤال در آن دیده می‌شود یا نمی‌شود، بر عهده توست.

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی تک‌تک آرایه‌ها در هر چهار گزینه برای رسیدن به پاسخ این دسته از سؤالات، ضروری است؛ ضمن آن که تنها، بررسی کردن یک یا دو آرایه مشخص و تابلو (!) در گزینه‌ها و استفاده از شگرد ردّ گزینه در رسیدن به پاسخ درست، بسیار راه‌گشاست.

■ در کدام بیت، آرایه «لفّ و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

(خارج از کشور انسانی ۹۹)

- | | |
|------------------------------------|--|
| گر کسی گوش دهد قصه شیرین دارم | (۱) گرچه کامم ز لب نوش تو تلخ است اما |
| مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی | (۲) ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شبان‌روزی |
| که برآورده بسی شور ز هر شیدایی | (۳) لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز |
| کو نظربازی که سیر صبح و شام من کند | (۴) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم ✓ |



تیپ ۲: آرایه در گزینه

ساختار: سؤالات مربوط به این تیپ، دو نوع است:
دسته اول: یک بیت در صورت سؤال می‌آید و در هر گزینه نیز، نام یک آرایه را می‌بینی. مشخص کردن این که کدام آرایه موردنظر، در بیت مورد سؤال به کار رفته یا نرفته، بر عهده توست.

شگرد پاسخ‌گویی: خواندن دقیق و بررسی موشکافانه تک‌تک آرایه‌ها در بیت موردنظر، برای رسیدن به پاسخ درست، راه پاسخ‌گویی به این دسته از سؤالات است؛ ضمن آن که توجه به برخی آرایه‌های تابلو و مشخص - که به وضوح در بیت به چشم می‌خورند - در رسیدن به پاسخ درست بسیار راه‌گشاست.

(تجربی ۸۶)

■ در بیت زیر کدام آرایه وجود ندارد؟

«رسید باد صبا، غنچه در هواداری ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»

(۱) تشخیص

(۲) تلمیح ✓

(۳) کنایه

(۴) استعاره

دسته دوم: در صورت سؤال، یک بیت می‌آید و در هر یک از گزینه‌ها نیز، نام چند آرایه (۲ تا ۵ آرایه) ذکر می‌شود. گزینه‌ای را که آرایه‌های موجود در بیت سؤال را دربر دارد یا ندارد، باید مشخص کنی.

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی آرایه‌های موجود در گزینه‌ها (از اولین گزینه تا آخرین گزینه) با توجه به بیت سؤال جهت حذف گزینه‌های غلط و استفاده از شگرد رد گزینه، بهترین راه پاسخ‌گویی درست و قطعی به این قبیل سؤالات است.

(انسانی ۹۹)

■ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«ز باغ حسن خود برخوردار که من در سایه سروت جهانی را ز باغ عشق برخوردار می‌بینم»

(۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه

(۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام

(۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز ✓

(۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

تیپ ۳: آرایه در مقابل گزینه

ساختار: هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال نیامده است؛ بلکه در هر گزینه یک بیت می‌بینی که در مقابل آن و در داخل پرانتز، نام چند آرایه (معمولاً ۱ یا ۲ آرایه) به عنوان آرایه‌های به کار رفته در آن بیت آمده است. تشخیص گزینه درست یا نادرست، کاری است که باید بدان پردازی.

شگرد پاسخگویی: گرچه بررسی کردن تک تک بیت‌ها برای تشخیص این که آرایه‌های مقابل هر بیت، در آن به کار رفته یا نرفته، راه پاسخ به این دسته از سؤالات است؛ اما استفاده از شگرد ردّ گزینه نیز برای رسیدن به پاسخ درست، بسیار راه‌گشا و ضروری است.

■ آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز: (انسانی ۹۹)

- (۱) مشو درهم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان که بی این نیل از چشم خریداران خطر داری (مجاز، تلمیح)
- (۲) حرص در هنگام پیری از غلاف آید برون بال و پر پیدا کند چون مور ماند بیشتر (استعاره، اسلوب معادله)
- (۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است پنبه چون حلاج از مستی ز مینا برمدار (ایهام، استعاره)
- (۴) ✓ تا روی کند عیش و طرب پشت به خم ده تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل)

تیپ ۴: آرایه به ترتیب الفبا در گزینه‌ها

ساختار: فهرست چند آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود و چند بیت (معمولاً ۴ تا ۶ بیت) نیز به صورت الفبایی در صورت سؤال می‌آید. از تو خواسته می‌شود که بیت‌ها را به ترتیب داشتن آرایه‌های مطرح شده، مرتب کنی و گزینه‌ای را که در آن، این ترتیب به درستی رعایت شده، مشخص سازی.

شگرد پاسخ‌گویی: گرچه پاسخ به چنین تست‌هایی به نظر، بسیار دشوار می‌آید و لازمه آن، اشراف علمی بر مباحث و تحلیل تک تک گزینه‌ها از نظر داشتن آرایه‌های خاص است؛ اما با توجه به فراوانی آرایه‌ها در صورت سؤال، مشخص



کردن یک یا دو آرایه مشخص و تابلو (!) جهت ردّ گزینه و حذف گزینه‌های غلط از گردونه شمارش، بهترین راه پاسخ به این دسته از سؤالات است.

■ در کدام گزینه ترتیب ابیات با در نظر گرفتن آرایه‌های: «تناقض، اغراق، مجاز، لفّ و نشر و ایهام» درست است؟

(خارج از کشور انسانی ۹۹)

الف) ما راز خیال تو چه پروای شراب است
ب) پر تو روی چو ماه تو در آن زلف سیاه
ج) تانپنداری که سلمان را نظر بر شاهد است
د) چنان کاندر پریشانی سرافرازی کند زلفش
هـ) سیل سرشکم را کجا مژگان تواند بست ره

خم گو سر خود گیر که خم خانه خراب است
راستی را چه شب تیره و خوش مهتابی است
مست جام عشق را با شاهد رعنا چه کار
توانایی چشم سـاحرش در ناتوانی بود
با خار و خس کی می توان بستن ره سیلاب را

۱) الف، ج، ب، هـ، د

۲) الف، هـ، ج، ب، د

۳) د، هـ، ج، الف، ب

۴) د، هـ، ج، ب، الف

تیپ ۵: آرایه بر اساس آرایه در صورت سؤال

ساختار: این تیپ سؤالی که نخستین بار در آزمون سراسری سال ۹۲ رشته ریاضی دیده شد، یک تیپ سؤالی تازه با سبک و رویکردی جدید می‌رفت. ساختار این گونه از سؤالات آرایه را به دو صورت می‌توان ترسیم کرد:

۱ «در بیتی که آرایه «X» به کار رفته (یا نرفته) چند بار آرایه «Y» به کار رفته؟»

۲ «کدام بیت، آرایه «X» و دارای آرایه‌های «Y» و «Z» است؟»

شگرد پاسخ‌گویی: در پاسخ به این دسته از سؤالات، به راحتی می‌توان با پاسخ‌گویی به قسمت اول سؤال و بررسی بیت هر گزینه، به پاسخ رسید.

■ کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟

(انسانی ۹۹)

۱) خواهم ز پس پرده تقوا به در افتم
۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند
۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد
۴) من آن نی‌ام که کند یار اجتناب از من

چندی به زبان همه کس چون خبر افتم
بر طرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

تشخیص

(Personification)

نسبت دادن ویژگی‌ها، اجزا، صفات و کارهای انسان به غیر انسان!

- نسبت دادن ویژگی‌ها، اجزا، صفات، لوازم و کارهای انسان به غیر انسان، «تشخیص» نامیده می‌شود؛ **به عبارتی** ← استعارهٔ مکنیه‌ای که «مشبه‌به» محذوف آن، انسان باشد، «تشخیص» است؛ **زیرا در آن** ← اجزا، ویژگی‌ها، صفات، لوازم و یا کارهای «انسان» (مشبه‌به محذوف) با «غیرانسان» (مشبه) همراه می‌شود.
- تشخیص را شخصیت‌بخشی، جان‌بخشی، آدم‌نمایی و انسان‌انگاری هم نامیده‌اند.

مثال

جوجه گنجشک گفت: «می‌خواهم فارغ از سنگِ بچه‌ها باشم»



◀ جوجه گنجشک گفت ← استعارهٔ مکنیه و تشخیص؛ **زیرا** ← عمل «گفتن» که مخصوص انسان (مشبه‌به) است به «جوجه» نسبت داده شده است. **»** این که جوجه گنجشک کوچیک، گوشیِ اپل داشته باشه، با رفیقش حرف بزنه و بگه «می‌خوام از سنگ انداختنِ بچه‌ها آسوده باشم»، می‌شه «تشخیص».

مثال

گل بخندید و باغ شد پدرام ای خوشا این جهان بدین هنگام



◀ گل بخندید ← استعارهٔ مکنیه و تشخیص؛ **زیرا** ← «خندیدن» که از افعال «انسان» (مشبه‌به محذوف) است به «گل» نسبت داده شده. **»** شاعر تو ذهن خودش، «گل» (مشبه) روبه «انسان» (مشبه‌به محذوف) تشبیه کرده و عمل «خندیدن» رو که از کارای مخصوص انسانه، به جای شکفته شدن به «گل» نسبت داده که می‌شه «تشخیص».

ایهام

به کار رفتن واژه‌ای با حدّ اقل دو معنی دور و نزدیک در سخن!

■ در لغت **به معنی** ← «به گمان (وهم) افکندن دیگران» است.

■ در اصطلاح ← به کار رفتن واژه‌ای است با حدّ اقل دو معنی در شعر یا نثر که یک معنی آن، نزدیک به ذهن و دیگری، دور از ذهن است و هر دو معنی آن نیز می‌تواند مدّ نظر باشد.

مثال

از قضا آینه چینی شکست خوب شد، اسباب **خودبینی** شکست

◀ خودبینی ← ① خود را دیدن ② خودبینی و غرور و تکبر



«آینه» وسیله‌ایه برای این که آدم خودشو توش ببینه. از طرف دیگه، وقتی آدم خودشو تو آینه نیگا می‌کنه، ممکنه دچار تکبر و غرور (خودبینی) بشه؛ پس ← وقتی شاعر می‌گه «اسباب خودبینی شکست»، «خودبینی» به این دلیل ایهام داره که هر دو تا معنی گفته شده رو به ذهن میاره.

تصویر رو نیگا کن. ببین این گربه چه جور دچار خودبینی و غرور (خودبزرگی بینی) شده و داره خودشو به شکل یه «شیر» می‌بینه و به خودش می‌نازه!! هم به «خودبینی» (دیدن خود در آینه) پرداخته، هم دچار «خودبینی» (غرور) شده!!!

☞ یه مثال دیگه ببین تا خوب ایهام رو یاد بگیری:

مثال

درد عاشق را دوايي بهتر از معشوق نيست

شربت بیماری فرهاد را **شیرین** کنید



◀ شیرین ← ① مزه شیرین ② معشوقه

خسرو و فرهاد

☞ تصوّر کن فرهاد بیمار شده و قراره براش شربت بپزن که حالش خوب شه

و چون بگیریه. حالا ببین چی می‌شه اگه این شربتِ تقویتی و بکمپلکسِ شیرین، «شیرین» خانوم باشه. این جا «شیرین» ایهام داره؛ یعنی دوتا معنی داره و معنی بیت هم می‌تونه با هر دوتاش درست دربیاد: «۱- مزه شیرین ۲- شیرین خانوم که حکم شربت داره». حالا به معنی مصراع دوم با هر دوتا معنی نگا کن: ۱- شربت بیماری فرهاد را شیرین کنید [مراقب باشید تلخ نباشد]. ۲- شربت بیماری فرهاد را «شیرین خانوم» قرار دهید [تا او را از بیماری برهاند].

نکته: گاه، تخلص شعری شاعران در یک بیت، دارای «ایهام» است؛ مانند ← تخلص «مولانا» (خمش)، «زیب‌النسا» (شاعر هند) (مخفی)، «رهی معیری» (رهی)، «شیخ بهایی» (بهایی) و **یکی دوتا مثال ببین:**

✿ برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
 که آن، خلیل بنا کرد و این، خدا خود ساخت
 ◀ مخفی ← ایهام ① پنهان ② تخلص شعری «زیب‌النسا»
 ✿ ما سیه‌گلیمان را جز بلا نمی‌شاید
 بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی
 ◀ بهایی ← ایهام ① پر بها و ارزشمند ② تخلص شعری «شیخ بهایی»

توجه: لازمه پی بردن به «ایهام» در بیت یا عبارت ← «آشنایی با معانی مختلف واژه‌ها» است.

نمونه‌های ایهام

① نگران با من استاده سحر / صبح می‌خواهد از من / کز مبارک دم
 او آورم این قوم به جان باخته را / بلکه خبر
 (ع ۹/۳)
 ◀ نگران: ۱- نگاه‌کننده ۲- پریشان و مضطرب

② جان ریخته شد با تو، آمیخته شد با تو
 چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم (ع ۹/۳)
 ◀ بو: ۱- رایحه و شمیم ۲- آرزو، امید



فهرست مهم‌ترین واژه‌های چندمعنایی که ایهام یا ایهام تناسب می‌سازند

آب: (۱) مایع نوشیدنی (۲) رونق و آبرو	بِهشت: (۱) جَنَّت (≠ دوزخ)
آهنگ: (۱) قصد و نیت (۲) نغمه و صدا	(۲) بگذاشت، رها کرد (از مصدر «هشتن»)
آهو: (۱) غزال (۲) عیب و نقص	بو: (۱) بو و رایحه (۲) امید و آرزو
آیت: (۱) آیه قرآن (۲) نشانه	بوستان: (۱) باغ (۲) اثری از سعدی شیرازی
اسب: (۱) نوعی حیوان (۲) مهره شطرنج	به: (۱) درخت به، میوه به (۲) بهتر
اوفتاده: (۱) بر زمین افتاده (۲) فروتن و متواضع	بهایبی: (۱) پربها، ارزشمند (۲) تخلص شعری «شیخ بهایی»
باد: (۱) جریان هوا (۲) فعل دعایی «باشد»	بگذار: (۱) قرار بده (۲) رها کن
بادیه: (۱) صحرا، بیابان (۲) پیاله و ظرف شراب، جام، لیوان	بی‌خبر: (۱) بی‌خبر و بی‌اطلاع (۲) مست و مدهوش
بار: (۱) دفعه و مرتبه (۲) محموله (۳) میوه و ثمر، محصول (۴) اجازه ورود به نزد شخصی بزرگ	بی‌وزن: (۱) بی‌وزن و سبک (۲) بی‌ارزش و بی‌اعتبار (۳) بدون وزن عروضی
باری: (۱) یک بار (۲) خلاصه	پرده: (۱) حجاب، پوشش (۲) پرده موسیقی (۳) صفحه یا بوم نقاشی
باز: (۱) گشوده (۲) پرنده شکاری (۳) دوباره، مجدداً	پروانه: (۱) نوعی حشره (۲) اجازه، مجوز
بازی: بازی و سرگرمی (۲) باز شکاری بودن	پریشان: (۱) آشفته و درهم (۲) بیمار و پریشان حال، مضطرب
باقی: (۱) جاویدان (≠ فانی) (۲) بقیه	پرَم: (۱) پر من (۲) بپرَم
بالا: (۱) جهت بالا (≠ زیر، پایین) (۲) قامت، قد	پست: (۱) پایین، کم ارتفاع (۲) فرومایه، سفله
برآید: (۱) بالا بیاید، طلوع کند (در مورد خورشید) (۲) ممکن و میسر شود	پیاده: (۱) پیاده (۲) سرباز (مهره شطرنج)
بند: (۱) ریسمان (۲) مفصل (۳) فعل امر از مصدر «بستن»	پیل: (۱) حیوان فیل (۲) مهره شطرنج
	تاب: (۱) تاب و توان، طاقت (۲) پیچ و تاب (۳) تابش
	تار: (۱) تاریک (۲) رشته (۳) نوعی ابزار موسیقی

بدیع (آرایه‌های معنوی) مهر و ماه

- تازی:** (۱) تازنده (۲) عربی، عرب‌زبان (۳) اسبِ عربی
- تفسیر:** (۱) تفسیر قرآن (۲) شرح و بیان
- تمام:** (۱) تمام و کامل (۲) بس، کافی (۳) پایان
- تنگ:** (۱) تنگ و باریک (≠ فَرَاخ) (۲) یک لنگه از بار، محموله [در ترکیب‌هایی مثل «تنگِ شکر»]
- تیر:** (۱) ابزار جنگی (۲) سیّارهٔ تیر (۳) تیرماه
- جام:** (۱) کاسه، پیاله، قَدَح (۲) لقب شیخ احمد جام
- جهان:** (۱) دنیا (۲) جهنده، گذران
- جولان:** (۱) حرکت، تاخت‌وتاز (۲) ارتفاعاتی میان اردن و سوریه
- چرا:** (۱) ضمیر پرسشی (۲) چراگاه
- چنگ:** (۱) پنجهٔ دست، چنگال (۲) نوعی ساز موسیقی
- چین:** (۱) پیچ‌وتاب، شکن (۲) کشور چین
- چپ:** (۱) دوبین، آحول (۲) سمت چپ
- حافظ:** (۱) لسان‌الغیب حافظ شیرازی (۲) حفظ‌کننده، نگهبان
- حد:** (۱) مجازات شرعی برای مجرم (۲) اندازه، مقدار
- حرف:** (۱) حرفِ الفبا (۲) مجاز از «سخن»
- حلاج:** (۱) پنبه زن (۲) لقب حسین بن منصور حلاج
- خرابی:** (۱) ویران و خراب بودن (۲) مست و خراب بودن از می
- خشت:** (۱) آجر نپخته و خام (۲) نوعی نیزهٔ کوچک، زوبین
- خطر:** (۱) حادثه، امرِ مخاطره‌آمیز (۲) ارزش، کار مهم
- خلیل:** (۱) لقب حضرت ابراهیم (ع) (۲) دوست
- خوان:** (۱) سفره (۲) مرحله (هریک از مراحل هفت‌خوان رستم) (۳) بخوان (بن مضارع از «خواندن»)
- خویش:** (۱) خود (ضمیر) (۲) خویشاوند
- خمش:** فعل امر «خاموش باش» (۲) تخلص شعری «مولانا»
- داد:** (۱) عدل و داد، حق و انصاف (۲) فریاد (۳) فعل ماضی از مصدر «دادن»
- دار:** (۱) ابزار قصاص و کشتن مجرم (۲) درخت
- دارا:** (۱) دارندهٔ ثروت، ثروتمند (۲) لقب داریوش سوم
- دام:** (۱) تله و دام، ابزار شکار (۲) حیوان اهلی (≠ دَد: حیوان وحشی)
- درگرفتن:** (۱) اثر کردن (۲) شعله‌ور شدن (در مورد «آتش»)
- دریغ:** (۱) مضایقه (۲) دریغ و افسوس
- دستان:** (۱) دست‌ها (۲) مکر و فریب، حيله (۳) لقب «زال» (پدر رستم)
- دل‌سیاه:** (۱) سیاه‌دل، قَسَى القلب، سنگ‌دل (۲) دارای مردمک سیاه (صفت چشم)
- دم:** (۱) نَفَس (مجازاً «سخن») (۲) لحظه (۳) فعل امر از مصدر «دمیدن»

پنج تست ایهام



۸۱. کدام دو واژه در بیت زیر، «ایهام» دارند؟ (خارج از کشور ۹۹)
 «از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»
 (۱) نوا، ساز (۲) آهنگ، نوا (۳) نوا، مخالف (۴) ساز، آهنگ

۸۲. کدام بیت، فاقد «ایهام» است؟ (انسانی ۹۸)
 (۱) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل که هیچ فایده نبود اگر هزار گوید
 (۲) در تابم از دو سنبل هندوت کز چه روی سر بر کنار نسترن و ارغوان نهاد
 (۳) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل چنین در دام غم تا کی به بوی دانه بنشیند
 (۴) در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی بنواز باری نوبتی چون می‌زنی عشاق را

۸۳. در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار رفته است؟ (خارج از کشور ۸۸)
 (۱) شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر صبح یاقوت روان از جام جم دادی مرا
 (۲) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید عطار به یک جو نخرد نافه چین را
 (۳) تا طره طرارت زد دست به طراری دست همه بربستی، فریاد ز دستانت
 (۴) تا خود نشوی شانه به زلفش نزنی چنگ انگشت کسی کارگشای دگری نیست

۸۴. در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار نرفته است؟ (انسانی ۸۵)
 (۱) به راستی که نه همبازی تو بودم من تو شوخ‌دیده مگس بین که می‌کند بازی
 (۲) کرده‌ام خاک در میکده را بستر خویش می‌گذارم چو سبو دست به زیر سر خویش
 (۳) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت
 (۴) در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای چون نامه چرا یک دمش از لطف نخوانی؟

۸۵. در کدام بیت، آرایه «ایهام» موجود نیست؟ (فتی ۸۳ و ریاضی ۸۰)
 (۱) گفتم غم تو دارم، گفتم غمت سر آید گفتم که ماه من شو، گفتم اگر برآید
 (۲) سرِ گرگ باید هم اول برید نه چون گوسفندان مردم درید
 (۳) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر گفتم غلطی خواهی! در این عهد وفا نیست
 (۴) امید هست که روی ملال درنکشد ازین سخن که گلستان نه جای دلتنگی‌ست

حُسن تعلیل

آوردن دلیل غیرواقعی اما شاعرانه و ادبی برای یک موضوع!

- در لغت **به معنی** «دلیل نیکو آوردن» است.
- در اصطلاح **←** آوردن دلیل غیرواقعی اما شاعرانه و ادبی برای یک موضوع است **به گونه‌ای که** خواننده را قانع و راضی کند.
- **حسن تعلیل** **در واقع** **←** نوعی علت‌سازی خیالی است؛ **زیرا** **←** شاعر یا نویسنده، به جای آوردن دلیل واقعی برای یک موضوع، دلیلی غیرواقعی اما شاعرانه و هنری می‌آورد.

مثال

خمیده‌پشت از آن گشتند پیران جهان دیده

که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را



«**علت خمیدگی پشت پیران و منحنی شدن قامتشان** از نظر شاعر **←** خم شدن پیران برای جست‌وجو کردن و یافتن جوانی از دست‌رفته‌شان در دل خاک است که می‌شود **«حُسن تعلیل»**.» **چیزی که مشخصه** اینه که دلیل اصلی خم شدن پشت افراد پیر، گذشت عمر و بالا رفتن سنشونه؛ **اما** **←** وقتی

شاعر می‌گه «علت خمیده بودن پشت پیرها اینه که دارن توی خاک، دنبال جوونیشون می‌گردن»، در واقع داره یه دلیل ادبی و جالب برای این موضوع میاره؛ **پس** **←** مصراع دوم این بیت، می‌شه «حُسن تعلیل» برای مصراع اولش.

نکته: در «حُسن تعلیل» **اغلب** **←** در داخل بیت، برای بیان دلیل انجام یک کار، حروف ربط «از آن/زان: به آن دلیل که»، «که: زیرا که»، «تا: از زمانی که، چون که»، «ز: از: به دلیل»، «چون: به دلیل آن که»، «چو: به دلیل آن که» و یا واژه‌های معادل آن‌ها می‌آید.

توهمین **بیتی که خوندی، حروف «از آن: به آن دلیل» و «که» نشون** می‌دن که تو این بیت «حُسن تعلیل» به کاررفته؛ معنی بیت رو با ترتیب

بدیع (آرایه‌های معنوی) مهروماه

درست و منطقی اجزای جمله ببین: «از آن (به آن دلیل) پیران جهان دیده خمیده‌پشت گشتند که ایام جوانی [خود] را اندر خاک می‌جویند.»
🗨️ **حالا به مثال دیگر:**

🏠 **مثال**

رسم بدعه‌دی ایام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد



«**علت** بارش باران از نظر شاعر ← گریستن ابر بهاری به خاطر بدعه‌دی و ناسازگاری روزگار است. **🗨️** کاملاً روشنه که **علت** اصلی و واقعی باریدن بارون، تغییرات جوّیه؛ اما توی این بیت ← شاعر دلیل بارش بارون رو این می‌دونه که ابر بهاری از دیدن ناپایداری احوال روزگار و بدعه‌دی و ناسازگاریش با

افراد (مث این آدم بدبخت و فلک‌زده که تو تصویر می‌بینی)، به گریه افتاده و به حال تقی و نقی و قلی و... و همه چی حتی گل یاسمن و سنبل و نسرين هم (که عمرشون دوامی نداره و زود پژمرده می‌شن) گریه کرده. درضمن، حواست باشه که حرف ربط «چو: چون، به دلیل این که» نشون‌دهنده کاربرد «حُسن تعلیل» تو این بیته.

🗨️ **یه مثال دیگر هم ببین:**

🏠 **مثال**

درختان را دوست دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند.



«**علت** برپایی و راست‌قامت بودن درختان از نظر شاعر ← احترام گذاشتن درختان به مقام والای حضرت ابوالفضل (ع) است. **🗨️** همون جور که می‌بینی، این دلیل، یه دلیل کاملاً شاعرانه و ادبی به حساب میاد نه یه دلیل واقعی. «که: زیرا که» هم نشون می‌ده که تو این شعر «حُسن تعلیل» به کاررفته.

🗨️ نکته: گاه یک بیت «حُسن تعلیل» دارد؛ اما هیچ‌یک از حروف ربطی که نشان‌دهنده «حُسن تعلیل» باشد، در بیت دیده نمی‌شود؛ در این صورت ← با توجه به معنی و مفهوم بیت می‌توان به «حُسن تعلیل» آن بیت پی برد.

لَفّ و نَشْر

آوردن دو یا چند واژه (ترکیب) در بخشی از کلام که توضیح مربوط به هر یک، در بخش دیگر کلام می‌آید!

■ لَفّ ^{در لغت} ← به معنی «پیچیدن» یا «پیچاندن»؛ و «نشر» نیز به معنی «باز کردن و گشودن» است.

■ لَفّ و نَشْر ^{در اصطلاح} ← آوردن دو یا چند واژه (ترکیب) در بخشی از کلام است که توضیح مربوط به هر یک از آن‌ها، در بخش دیگر بیاید. به واژه‌ها و ترکیباتی که در بخش نخست مطرح می‌شود «لَفّ» و به توضیح مربوط به آن‌ها «نشر» گفته می‌شود. **این مثال رو ببین:**

❖ دو کس دشمن مُلک و [دشمن] دین‌اند؛ پادشاه بی‌حلم و زاهد بی‌علم.
 لَفّ (۱) لَفّ (۲) نشر (۱) نشر (۲)

❖ تو جملهٔ اوّل، صحبت از دو تا دشمن شده: «۱- دشمن مُلک ۲- دشمن دین»؛ اما توضیح مربوط به اون‌ها تو جملهٔ دوم اومده و دو تا دشمن معرفی و مشخص شدن: «دشمن مُلک، پادشاه بی‌حلم است» و «دشمن دین، زاهد بی‌علم است». به دو تا عبارت یاد و تا ترکیب اوّل می‌گن «لَفّ» و به توضیح مربوط به هر کدوم می‌گن «نشر».

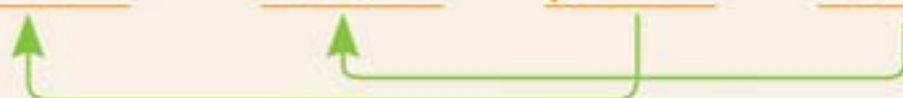
■ در لَفّ و نَشْر ← رابطهٔ بین «لَفّ»‌ها و «نشر»‌ها ^{به یکی از این صورت‌هاست} «مفعول و فعل»، «فاعل و فعل»، «فاعل و مفعول»، «مسندالیه (نهاد) و مسند»، «اسم و صفت»، «مشبّه و مشبّه‌به» و ...

■ لَفّ و نَشْر بر ۲ نوع است ← **۱** لَفّ و نشر مرتب **۲** لَفّ و نشر نامرتب (مشوش)

انواع لَفّ و نَشْر

■ ^{یعنی} ← دو «لَفّ» در بخشی از کلام و دو «نشر» نیز در بخش دیگر آن بیاید ^{به گونه‌ای که} «لَفّ» اوّل به «نشر» اوّل مربوط شود و «لَفّ» دوم به «نشر» دوم مربوط باشد؛ **این جوری:**

لَفّ اوّل لَفّ دوم نشر اوّل نشر دوم



لَفّ و نَشْر مرتب

مثال

منعم مکن از دیدن **قدّ** و **رخ** و **چشمش**
 من آنس به **سرو** و **گل** و **بادام** گرفتم

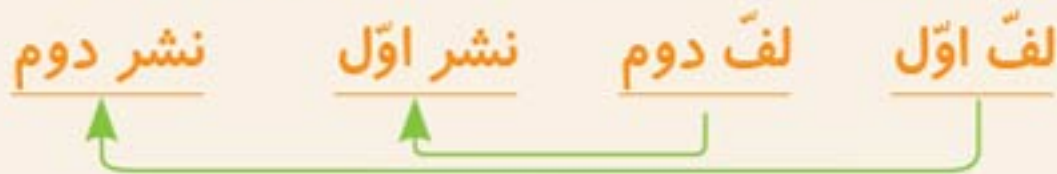


بیت دارای «لف و نشر مرتب» است زیرا واژه‌های «قد» و «رخ» و «چشم» سه لف متوالی‌اند که نشرهای مربوط به آنها نیز به ترتیب شامل «سرو» و «گل» و «بادام» در مصراع دوم آمده است؛ یعنی از نظر شاعر «قد» معشوق همچون «سرو»، «رخ» او همچون «گل» و «چشم» او همچون «بادام» است؛ به این شکل:



می‌بینی که رابطه بین «لفّ» و «نشر» توی این بیت، رابطه «مشبه» و «مشبه به».

یعنی دو «لفّ» در بخشی از کلام و دو «نشر» نیز در بخش دیگر آن بیاید به گونه‌ای که «لفّ» اول به «نشر» دوم مربوط شود و «لفّ» دوم به «نشر» اول مربوط باشد؛ این جوری:



لف و نشر نامرتب
(مشوش)

مثال

سگ و دربان چو یافتند غریب این، گریبان گرفتش، آن دامن



◀ بیت دارای «لف و نشر نامرتب (مشوش)» است زیرا ← «گریبان گرفتن» (نشر ۱) توضیح مربوط به «دربان» (لف ۲) است و «دامن گرفتن» (نشر ۲) نیز مربوط به «سگ» (لف ۱) است؛ به عبارتی ← «سگ، دامن غریبه را می‌گیرد» و «دربان، گریبان غریبه را می‌گیرد»؛ به این شکل:

سگ و دربان چو یافتند غریب
لف ۱ لف ۲

این، گریبان گرفتش؛ آن، دامن [گرفتش]
نشر ۱ نشر ۲

🗨 رابطه بین «لف» و «نشر» توی این بیت، رابطه فاعل و مفعوله.

◀ نمونه‌های لف و نشر

۱ از عفو و خشم تو دو نمونه‌ست روز و شب

وز مهر و کین تو دو نمونه‌ست شهد و سم (ع ۶/۳)

◀ لف و نشر مرتب ← ۱- روز نمونه‌ای از عفو توست؛ شب نمونه‌ای از خشم توست. ۲- شهد نمونه‌ای از مهر توست؛ سم نمونه‌ای از کین (دشمنی) توست.

۲ روی و چشمی دارم اندر مهر او کاین گهر می‌ریزد، آن زر می‌زند (ع ۶/۳)

◀ لف و نشر نامرتب ← روی من، زر می‌زند (مانند زر، زرد رنگ شده)؛ چشمم گهر (اشک) می‌ریزد.

۳ به روز نبرد، آن یل ارجمنند

به شمشیر و خنجر به گرز و کمند

اسلوب معادله

مصراع دوم، در حکم مثال و مصداقی برای مصراع اول است!

■ اسلوب معادله ← بیان مطلب در دو مصراع یا دو عبارت مستقل است که در ظاهر، هیچ‌گونه رابطه دستوری باهم ندارند؛ اما در حقیقت، ارتباط معنایی دارند و مصراع دوم، در حکم مثال و مصداقی برای مصراع اول آن است (این ارتباط معنایی نیز بر پایه تشبیه است)؛ ^{به عبارتی} شاعر در مصراع اول، یک موضوع را مطرح می‌کند و سپس برای روشن‌تر ساختن آن موضوع و مهر تأیید زدن بر آن، در مصراع دوم هم، مثال و مصداقی برای آن می‌آورد ^{به گونه‌ای که} برخی واژه‌ها در مصراع دوم، معادلی برای برخی واژه‌های مصراع اول هستند.

■ در اسلوب معادله ← هر یک از دو مصراع، استقلال معنایی و نحوی (دستوری) دارند؛ ^{بنابراین} می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد یا میان آن‌ها «علامت مساوی» (=) و یا «همان‌طور که» گذاشت ^{که در این صورت} واژه‌ها یا ترکیباتی که دوبه‌دو معادل یکدیگرند مشخص می‌شوند.

مثال

عیبِ پاکان زود بر مردم، هویدا می‌شود

موی اندر شیرِ خالص زود پیدا می‌شود



◀ معنی بیت ← «عیب‌ها و بدی‌های افراد پاک (پارسا) پنهان نمی‌ماند و زود بر مردم آشکار می‌شود؛ [همان‌طور که] موی افتاده در شیرِ خالص و پاک هم پنهان نمی‌ماند و زود نمایان می‌شود.» ^{شاعر معتقد است که} افراد پاک و پارسا زیر ذره‌بین هستند و هر عیب

و اشتباهی که داشته باشند، زود تابلو می‌شود! بعد هم، مصراع دوم روبه‌عنوان یه مثال یا مصداق برا مصراع اول آورده تا حرفِ خودشو تأیید و تصدیق کنه؛ ^{پس} بیت «اسلوب معادله» داره ^{چون} ۱- مصراع دوم، مثال و مصداقی برا مصراع اوله تا مخاطب، مفهوم مصراع اولو بهتر درک کنه. ۲- می‌شه جای دو

بدیع (آرایه‌های معنوی) مهر و ماه

مصراع رو عوض کرد یا بین اونا «همان طور که» یا «علامت مساوی» (=) گذاشت.
۳- اگه عبارتای دو مصراع رو به شکل دقیق‌تری مرتب کنیم، واژه‌هایی که معادل همدیگه هستن مشخص می‌شن؛ به این شکل:

هویدا می‌شود.	بر مردم	زود	پاکان	عیب
↓			↓	↓
پیدا می‌شود.		زود	شیرِ خالص	موی

توی این معادله ← عیب = مو / پاکان = شیرِ خالص / هویدا شدن = پیدا شدن
حالا به مثال دیگه:

مثال

دود اگر بالا نشیند، کسر شأن شعله نیست
جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است



معنی بیت ← «بالاتر بودن دودِ شمع یا آتش نسبت به شعله آن، نشانه کسر شأن شعله نیست؛ [همان طور که] اگرچه ابرو- که همچون دود سیاه است- بالاتر از چشم قرار دارد؛ اما این، هیچ گاه به معنی بی‌ارزش‌تر بودن چشم نیست و ابرو نمی‌تواند جای چشم را بگیرد.»

خلاصه و خلاصه ماجرا می‌شه این: «دود، بالاتر از شعله است؛ اما از آن، برتر نیست؛ [همان طور که] ابرو بالاتر از چشم است، اما از آن بالاتر و باارزش‌تر نیست؛»
پس بیت «اسلوب معادله» داره چون ← ۱- مصراع دوم، مثال و مصداقی برای مصراع اوله؛ یعنی مخاطب، با مصراع دوم، مفهوم مصراع اول رو بهتر درک می‌کنه. ۲- می‌شه جای دو مصراع رو عوض کرد یا بین اونا «همان طور که» یا «علامت مساوی» (=) گذاشت. ۳- اگه عبارتای دو مصراع رو به شکل دقیق‌تری مرتب کنیم، واژه‌هایی که معادل همدیگه هستن، مشخص می‌شن؛ به این شکل:

بالاتر نشستن	دود	نشانه	کسر شأن	شعله	نیست.
↓	↓		↓	↓	
بالاتر بودن	ابرو	نشانه	بی‌ارزش بودن	چشم	نیست.

توی این معادله ← بالاتر نشستن = بالاتر بودن / دود = ابرو / کسر شأن نبودن = بی‌ارزش نبودن / شعله = چشم
 ☞ به مثال دیگه هم برات میارم تا توپ توپ اسلوب معادله رو یاد بگیری:

مثال

شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی
 آشنایان را در ایام پریشانی پرس [تو پرس]



◀ معنی بیت ← «شانه در هنگام آشفستگی زلف به کار زلف می‌آید؛ [همین‌طور] تو (ای انسان!) در ایام پریشان‌حالی آشنایان خود، از آنان احوال‌پرسی کن و به دادشان برس.»

☞ حرفِ دلِ شاعر، اینه: «همون جور که شونه، موقع آشفته بودن زلف به کار زلف میاد و آشفته‌گی‌شو از بین می‌بره، تو هم باید تو روزگار

پریشونی و بدبختی آشناهای خودت از اونا دل‌جویی و پرس‌وجو کنی»؛
 پس ← بیت «اسلوب معادله» داره ← چون ← ۱- مصراع دوم مثال و مصداقی برا مصراع اوله و مفهوم اونو عینی‌ترو قابل فهم‌تر می‌کنه.
 ۲- جای دو مصراع رو می‌شه عوض کرد یا بینشون می‌شه «همان‌طور که» یا «علامت مساوی (=) گذاشت. ۳- اگه دو تا مصراع رو روبه‌روی هم قرار بدیم، واژه‌های معادل هم مشخص می‌شن؛ این جوری:

شانه	در	[هنگام] آشفستگی	برای	زلف	به کار می‌آید.
↓		↓		↓	↓
تو (انسان)	در	ایام پریشانی	از	آشنایان	احوال‌پرسی کن.

توی این معادله ← شانه = تو (انسان) / [هنگام] آشفستگی = ایام پریشانی / زلف = آشنایان / به کار آمدن = احوال‌پرسی کردن

☞ نکته: «اسلوب معادله» را با «حسن تعلیل» اشتباه نگیرید.



۱۱۶. در کدام بیت، دو تشبیه و بیشترین استعاره به کار رفته است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

- ۱) شیر در بادیه عشق تو روباه شود
 - ۲) یارب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین
 - ۳) واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
 - ۴) خون شد دلم به یاد تو، هر گه که در چمن
- آه از این راه که در وی خطری نیست
در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟
طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
بند قبای غنچه گل می‌گشاد باد

۱۱۷. آرایه‌های «ایهام، استعاره و جناس تام» تماماً در کدام بیت آمده است؟ (تجربی ۱۴۰۰)

- ۱) نافه مشک ختن گر زان که می‌خیزد ز چین
 - ۲) مستم آن دم که بمیرم به سر خاک برید
 - ۳) مستی به چشم شاهد دل‌بند ما خوش است
 - ۴) دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری
- زلف را بغشان که صد چین در شکنج موی توست
تا سر از خاک برآرم به قیامت سرمست
زان روی سپرده‌اند به مستی زمام ما
جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

۱۱۸. در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و حسن آمیزی»

یافت می‌شود؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) پای خوابیده به فریاد نگردد بیدار
 - ۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
 - ۳) بر لب کوه جنون خنده شیرین بهار
 - ۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید
- بند با عاشق بی‌دل چه تواند کردن
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت
در رهگذر باد نگهبان لاله بود

۱۱۹. در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟ (ریاضی ۹۹)

- ۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است
 - ۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟
 - ۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟
 - ۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست
- سودای کج می‌ز، که نباشد مجال تو
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو
همچو لاله، جگرم بی می و خم‌خانه بسوخت

۱۲۰. در کدام بیت، «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟ (تجربی ۹۹)

- ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
 - ۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
 - ۳) مرغ دل باز هوادار کمان‌ابروی است
 - ۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

۱۳۱. در کدام بیت، «جناس و تضاد» وجود ندارد؟ (انسانی ۸۸)

- (۱) نهد در نار، نور و مهره در مار
 (۲) قمری باغ او منم تا بشناسیم ببین
 (۳) کسی با او نه و او با همه کس
 (۴) خداوندی که در ذاتش علل نیست
- دهد از نیش، نوش و خیری از خار
 داغ جفا به سینه‌ام، طوق وفا به گردنم
 نماند هیچ کس او ماند و بس
 جهان‌داری که در ملکش خلل نیست

۱۳۲. در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، تشخیص، حس آمیزی و جناس» وجود دارد؟ (زبان ۸۸)

- (۱) گر دوست می‌آید برم یا تیغ دشمن بر سرم
 (۲) شیرین بضاعت بر مگس چندان که تندی می‌کند
 (۳) با هر که بنشینم دمی کز یاد او غافل شوم
 (۴) بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین نفس!
- من با کسی افتاده‌ام کز وی نپردازم به کس
 او بادبیزن همچنان در دست و می‌آید مگس
 چون صبح بی‌خورشیدم از دل بر نمی‌آید نفس
 و پای‌بندی همچو من، فریاد می‌خوان از قفس

۱۳۳. در کدام بیت همه آرایه‌های «تشخیص، ایهام، استعاره، کنایه» وجود دارد؟ (ریاضی ۸۷)

- (۱) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند
 (۲) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
 (۳) امروز روز شادی و امسال، سال گل
 (۴) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما
- هرچند برکنید شما پر و بال گل
 تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل
 نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
 زان می‌دریم جامه به بوی وصال گل

۱۳۴. در کدام بیت هر سه آرایه «جناس، تشبیه، پارادوکس» موجود است؟ (انسانی ۸۷)

- (۱) الف قد تو پیش همه مقبول افتاد
 (۲) شکسته‌رنگی من، عشق را به رحم آورد
 (۳) هرچه زنیک و بد است چون همه در دست اوست
 (۴) برگ من بی‌برگی است و بار، بار خاطر است
- این نه حرفی است که بر وی قلم رد باشد
 به زر هر آنچه برآید به زور نتوان کرد
 بر من مسکین چرا خط خطا می‌کشد؟
 باد یارب! روزی برق بلا برگ و برم

تیب ۲

۱۳۵. آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

«خسروی به شیرینی تلخ کرد کامم را کز لب شکرخندش نرخ شکر ارزان شد»

- (۱) تشبیه، ایهام، تضاد، جناس
 (۲) تشبیه، کنایه، تضاد، اغراق
 (۳) تشبیه، کنایه، حسن تعلیل، اغراق
 (۴) تشبیه، ایهام، پارادوکس، مجاز

**۱۶۳. آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند، به جز:** (ریاضی ۱۴۰۰)

- (۱) مخور ز چهره گلگون گل فریب جمال که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ
(جناس، ایهام)
- (۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ مدام از می لعلی است روی جانان سرخ
(مجاز، استعاره)
- (۳) چراغ دل ز جگر گوشه می شود روشن بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ
(استعاره، تشبیه)
- (۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ
(جناس، تشبیه)

۱۶۴. آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است، به جز: (تجربین ۱۴۰۰)

- (۱) اگر بر نرگس اندازی نظر نرگس شود ناظر وگر با سوسن آغازی سوسن شود گویا
(ایهام، استعاره)
- (۲) بوسیدن از جام لبش گر نیست روزی کاشکی چون جرعه افتادی که من خاک درش بوسیدمی
(ایهام، مجاز)
- (۳) آفتاب از عکس شمشیر تو می گیرد فروغ آسمان از بار احسان تو می گردد دوتا
(تشبیه، اغراق)
- (۴) به مجلسی که زبان آوری کند قلمت به کام درکش آتش زبان دعوی را
(مجاز، استعاره)

۱۶۵. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز: (انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) از موج حلاوت دل مرغان چمن سوخت هرچند فشاندند به خامی ثمرم را
(استعاره، مجاز)
- (۲) ز رشک شانه در تابم که با کوتاه‌دستی‌ها به صد آغوش در بر می کشد آن عنبرین‌مورا
(جناس، کنایه)
- (۳) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گیتی دون‌پرور کنم
(استعاره، پارادوکس)
- (۴) شعاع چشمه مهر از فروغ رخسار است شراب، نوشگوار از لب شکر بار است
(حسن تعلیل، ایهام)

(انسانی ۹۱)

۱۸۰. آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست عمری به سر برده‌ایم
(جناس - حس آمیزی)
- (۲) روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
حالیا چشم جهانی نگران من و توست
(مجاز - ایهام)
- (۳) عیش دل شکسته عزا می‌کنی چرا
عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی
(ایهام تناسب - تضاد)
- (۴) این جزر و مد چیست که تا ماه می‌رود؟
دریای درد کیست که تا چاه می‌رود؟
(تلمیح - تشبیه)

۱۸۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات به استثنای درست است. (هنر ۹۱)

- (۱) افتاده را به چشم حقارت مبین که خاک
گر سر کشد غبار دل آسمان شود
(تشبیه، کنایه)
- (۲) از آن مژگان او دست دعا بر آسمان دارد
که دایم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش
(حسن تعلیل، تضاد)
- (۳) در حیرتم از زاری تنبور که این طفل
بدخو شود آن‌گه که در آغوش و کنار است
(تشبیه، تشخیص)
- (۴) عاقلان را تا در این موسم چو خود دیوانه دید
بید مجنون، سجده شگری به جا آورده است
(اسلوب معادله، اغراق)

۱۸۲. در کدام بیت، آرایه ذکر شده برای آن نادرست است؟ (خارج از کشور ۸۹)

- (۱) وقت هر کار نگه دار که نافع نبود
نوشدارو که پس از مرگ به سهراب دهی
(تلمیح)
- (۲) حسب حالم سخنی بس خوش و موجز یاد است
عرضه دارم اگر رخسار اطناب دهی
(تضاد)
- (۳) مده از دست کنون فرصت امکان چو تو را
دست آن هست که داد دل احباب دهی
(مجاز)
- (۴) به دل دشمن اگر خود بود از آهن و روی
چون به هیبت نگری لرزش سیماب (: جیوه) دهی
(حسن تعلیل)

تیپ ۴

(انسانی ۱۴۰۰)

۱۸۳. در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟

- (الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت
من که شیران جهان اند کمیمن نخجیرم
- (ب) هر کجا دم زدم از چشم بت کشمیرم
خون مردم همه گردید گریبان گیرم
- (ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی
عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم
- (د) بیرون چگونه می‌رود از کین مهوشان
مهری که همچو روح فرورفته در تنم
- (ه) دو گوشت از ز خروشیدنم به تنگ آمد
چنین مزن که ز دستت چو چنگ نخروشم
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

**پاسخ‌نامهٔ تست‌های تک آرایه‌ای پایان درس‌ها**

۱. گزینهٔ ۳ مبنای طراحی این سؤال نادرست می‌نماید! / بررسی وجه شبه در ابیات: بیت «الف»: روی نمایاندن و از نقاب بیرون آمدن / آب از سر گذشتن = ۲ وجه / بیت «د»: دُرُفشان بودن = ۱ وجه / مجموعاً ۳ وجه شبه در ابیات یافت شد. در بیت‌های «ب» و «ج» وجه شبه ذکر نشده است.

۲. گزینهٔ ۱ در بیت گزینهٔ «۱» وجه شبه ذکر نشده است: آب چشم من (اشک): مشبّه / چون: ادات تشبیه / دانهٔ انار: مشبّه به بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: مرغان چمن (مشبّه) / چو (ادات تشبیه) / من (مشبّه به) / عاشق و مست بودن (وجه شبه) / نرگس و گل در مصراع دوم استعاره هستند. [گزینهٔ «۳»: او و خورشید (مشبّه) / همچو (ادات تشبیه) / بندگان (مشبّه به) / بوسه بر جناب دادن (وجه شبه) / آن (مشبّه) / همچو (ادات تشبیه) / سرو و صنوبر (مشبّه به) / یک‌قبا بودن و پروای سرد و گرم خزان و بهار نداشتن (وجه شبه)

۳. گزینهٔ ۳ تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): ۱- میوهٔ عیش (مشبّه: عیش / مشبّه به: میوه) ۲- نخلِ مراد (مشبّه: مراد / مشبّه به: نخل) ۳- باغ محبت (مشبّه: محبت / مشبّه به: باغ) بررسی سایر گزینه‌ها: در ابیات سایر گزینه‌ها «۲» تشبیه به کار رفته است؛ به این ترتیب: ۱) تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): ۱- باغ رُخ (مشبّه: رُخ / مشبّه به: باغ) ۲- بهارِ خط (مشبّه: خط (موهای نورسته و روئیده بر چهره) / مشبّه به: بهار) ۲) تشبیه (اضافهٔ تشبیهی): ۱- آینهٔ جان (مشبّه: جان / مشبّه به: آینه) ۲- تختهٔ تن (مشبّه: تن / مشبّه به: تخته) ۴) تشبیه: ۱- دام نجات (اضافهٔ تشبیهی ← مشبّه: نجات / مشبّه به: دام) ۲- خمِ طَرّهٔ دوست، حلقهٔ دام نجات است. (تشبیه بلیغ اسنادی ← مشبّه: خمِ طَرّه / مشبّه به: حلقهٔ دام نجات)

۴. گزینهٔ ۲ تشبیه گسترده: زلفِ چو چوگان (مشبّه: زلف / مشبّه به: چوگان / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: -) / تشبیه فشرده (بلیغ اضافی): گویِ دل (مشبّه: دل / مشبّه به: گوی) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) تشبیه گسترده: ۱- هر که چون ذره شود سرگردان (مشبّه: هر که / مشبّه به: ذره / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: سرگردان شدن) ۲- رویِ چو خورشید (مشبّه: روی / مشبّه به: خورشید / ادات